

رفتار اروپایی‌ها در روی کار آوردن حکومت دیکتاتوری رضاخان، رفتار اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در ساقط کردن دولت مصدق، رفتار آنها در قضایای گوناگون اقتصادی و سیاسی و امنیتی ما و رفتار آنها در قضیه‌ی جنگ تحمیلی و بعد هم رفتار آنها در قضیه‌ی تحریم؛ اینها را ما نباید از یاد ببریم. غربی‌ها با ما همیشه همین جور رفتار کرده‌اند؛ نمی‌توانیم به آنها هیچ امیدی داشته باشیم. در همین قضیه‌ی اخیر، در قضیه‌ی برجام، وظیفه‌ی اروپایی‌ها چه بود؟ افرادی غیرقابل اعتمادند و برای حل مشلات کشور، نمی‌توان معطل آنها باقی ماند.

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۶۴ / دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

غیرت شیعی

صبح نو: انتشار مطلب موهن علیه رهبر انقلاب اسلامی توسط صفحه فیس‌بوک سفارت آمریکا در عراق، واکنش سریع مقام‌های عراقی را به دنبال داشت. در بیانیه وزارت خارجه عراق آمده است: «اقدام سفارت آمریکا در این کشور، توهین به ایران محسوب می‌شود و این عمل خلاف قانون عراق و سیاست خارجی این کشور است». علاوه بر وزارت خارجه، گروه‌های مختلف سیاسی در عراق، نظیر «هادی العامری»، رهبر ائتلاف سیاسی «الفتح» و «سیدعمار حکیم»، رهبر جریان حکمت ملی و رییس ائتلاف اصلاح و سازندگی نیز در بیانیه‌های جداگانه خواستار اعتراض به مقام‌های سفارت آمریکا شدند. آمریکایی‌ها می‌دانند سرزمین ایران به‌عنوان یکی از نقاط ثقل عمده مرجعیت شیعه، جایگاهی خاص در میان مردم عراق، خاصه شیعیان این کشور دارد. نصب تصاویر آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان نه صرفاً رهبر نظام سیاسی، بلکه در جایگاه یکی از مراجع بنام عالم تشیع در خیابان‌ها و معابر عراق، خود حدیث مفصلی از مجمل یاد شده است. اینکه سفارت آمریکا در عراق این بار دست به کار شده و شخص رهبری انقلاب را نشانه رفته و کوشیده از ایشان چهره‌ای مخدوش در نزد عراقی‌ها ترسیم کند، نشانه شدت علاقه‌مندی مردم و مسوولان عراقی به ایران و شخص رهبری جمهوری اسلامی است. یادآوری ورود شبانه و مخفیانه ترامپ به عراق و حضور در یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکایی در سه ساعت و ترک سریع این کشور در مقایسه با حضور توأم با احترام مقام‌های ایرانی در این کشور، به‌تنهایی می‌تواند از دلایل این اقدام سخیف سفارت آمریکا در عراق و دلایل عصبانیت آن پرده بردارد.

آمریکا گاو شیرده خود را دوباره تحقیر کرد

کیهان: رئیس‌جمهور آمریکا در دو سال گذشته به روش‌های مختلف رژیم آل‌سعود را تحقیر کرده اما سران سعودی به دلایل مختلف در برابر این توهین‌های سریالی سکوت اختیار کرده‌اند. در جدیدترین این موارد ترامپ سعودی‌ها را طور دیگری تحقیر کرده است. «دونالد ترامپ» در یک سخنرانی عمومی با ادبیاتی تحقیرآمیز از مکالمه خود با «ملک سلمان» شاه سعودی خاطره‌ای را برای حضار تعریف کرده است. به نوشته پایگاه «دیلی کالر»، ترامپ در بخشی از این سخنرانی گفته: «کشورهایی هستند که بسیار ثروتمند هستند، به یک تماس تلفنی فکر کنید که ما با آن ۵۰۰ میلیون دلار به دست آوریم. در حال حاضر ما این موضوع را در قبال بسیاری از کشورها از قبیل عربستان داریم، کشوری که بسیار ثروتمند است. ما از آنها دفاع می‌کنیم. ما به عربستان کمک یارانه می‌دهیم. آنها به جز پول، چیز دیگری ندارند اما ما به آنها یارانه

می‌دهیم. رئیس‌جمهور آمریکا ادامه داد: «آنها از ما خیلی خرید می‌کنند، آنها ۴۵۰ میلیارد دلار از ما خریدند. افرادی (در آمریکا) هستند که خواهان توقف مرادوات ما با عربستان هستند اما آنها ۴۵۰ میلیارد دلار به ما اختصاص دادند و من نمی‌خواهم این پول را از دست بدهم... درباره ارتش باید بگویم که ما به آنها یارانه می‌دهیم. من با پادشاه (ملک سلمان) تماس گرفتم. من پادشاه را دوست دارم. من به پادشاه گفتم که ما داریم دار و ندارمان را به خاطر دفاع کردن از شما از دست می‌دهیم و شما پادشاه پول زیادی دارید و او به من گفت، چرا شما با من تماس می‌گیرید (و این حرف‌ها را به من می‌زنید)؟ هیچ کس تاکنون چنین تماسی با من نگرفته بود. من به او گفتم که چون آنها احمق بودند». رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه تاکید کرد: «ما در زمینه‌های بسیاری در حال همکاری با عربستان هستیم. صادقانه به شما می‌گویم این کار (گرفتن پول از عربستان) آسانتر از گرفتن ۱۱۳ دلار از یک مستاجر در یک منطقه بد در نیویورک است. این کار همچنین امن‌تر است.

جدیدترین خوش خدمتی اروپاییان به ترامپ

وطن امروز: «اتحادیه اروپایی از طریق تدابیری جدید مانند اعمال فشار بر کشورهای غیرعضو جهت کاهش فروش (فناوری‌های حساس) به ایران و سخت‌گیرانه‌تر کردن شرایط صادرات به ایران، به دنبال تحدید توان موشکی ایران است. انگلیس، فرانسه و آلمان به دنبال آن هستند کل اتحادیه اروپایی را درباره اعمال محدودیت‌های موشکی سنگین علیه ایران متقاعد کنند. یکی از تدابیری که اروپایی‌ها به دنبال آن هستند این است که از کشورهای آفریقایی و آسیایی بخواهند صادرات خود به ایران را متوقف کنند یا مانع انتقال کالاهای حساس به ایران شوند».

به نظر می‌رسد پازل مشترکی که ایالات متحده آمریکا و تروئیکای اروپایی از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی (زمان ورود ترامپ به کاخ سفید) با همراهی یکدیگر تکمیل کرده‌اند، به مراحل پایانی چینش خود نزدیک می‌شود! تصور نهایی این پازل به اندازه‌ای کریه و غیر قابل تحمل است که قطعاً بسیاری از طرفداران سازش با غرب را نیز وادار به ابراز پشیمانی خواهد کرد. «مهار ایران قدرتمند»، «ابطال یکجانبه تعهدات غرب در برجام»، «تحدید توان موشکی و منطقه‌ای ایران» و «محاصره اقتصادی ایران» جملگی اجزای این پازل را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس، خروج هدفمند و هماهنگ شده کاخ سفید از برجام (که اردیبهشت‌ماه سال گذشته رخ داد) جزئی مهم از این پروژه مشترک «آمریکایی-اروپایی» بوده است. در این میان ژست سران اروپایی و بویژه سران ۳ کشور آلمان، فرانسه و انگلیس در مخالفت با تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از برجام، صرفاً آدرسی انحرافی برای «کنترل واکنش ایران» و «اعمال محدودیت‌های بیشتر» علیه کشورمان بوده است. نکته‌ای که متأسفانه دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان از درک آن عاجز ماند!

سخنان رهبر حکیم انقلاب اسلامی مبنی بر «عدم اطمینان به کشورهای اروپایی در پروسه حفظ برجام»، «لزوم اخذ تضمین‌های عینی از طرف اروپایی» و «عدم اعتماد به اروپا» جملگی خطوط قرمزی بود که قاعدتاً باید مورد توجه دستگاه دیپلماسی کشورمان قرار می‌گرفت. با این حال مصالحه وزارت امور خارجه با طرف‌های اروپایی و عدم تعیین ضرب‌الاجل قاطعانه برای عملی شدن تضمین‌های آنها، خروجی و نتیجه‌ای جز «INSTEX» نداشت! ساختاری معیوب و مضحک که حتی سران اروپایی خود نیز نسبت به صوری و غیرکاربردی بودن آن آگاه هستند. نکته جالب توجه اینکه متعاقب اعلام ثبت INSTEX، سران اروپا وقاحت را به بالاترین درجه ممکن رسانده‌اند. «هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان بنا به دستور مستقیم مایک پمپئو و جان بولتون نخستین موضع را درباره «لزوم عدم غنی‌سازی اورانیوم» از سوی ایران

اتخاذ کرد. پس از هایکو ماس نیز سفیر فرانسه در آمریکا مدعی شد حتی پس از پایان مدت زمان تعیین شده در برجام نیز ایران حق غنی سازی اورانیوم را نخواهد داشت!

نفت تا سال ۲۰۳۰ بیشتر مصرف میشود

صبح اقتصاد: تحمیل فشار به ۶ کشور مستثنی شده برای قطع رابطه نفتی با ایران در محافل سیاسی اقتصادی و حقوقی جهان در حال ریزنی است و خبرها اینگونه شایع هستند که نخبگان حقوقی و اقتصادی این تحمیل را نقطه اتکا ایران برای ارجاع موضوع به دیوان بین المللی لاهه میدانند.

دوروزه ترامپ با فشار آوردن به اوپک تقاضای کاهش دادن قیمت نفت را داشته و این نشانگر این است که واکنش جهان به تقاضای ترامپ با افزایش قیمت نفت مواجه شده است. از طرف دیگر سایت مشهور اوپل پرایس با استناد به گزارشی که اخیرا از سوی مرکز مطالعات بانک آف آمریکا (bank of America) منتشر شده است اقتصاد جهان از سال ۲۰۳۰ را دستخوش تغییراتی بسیار جدی در جایگزینی های انرژی میدانند. در این گزارش تاکید شده است تا سال ۲۰۳۰ میلادی تقاضای نفت در دنیا روند صعودی خواهد داشت، ولی از این سال به بعد جهان شاهد افت میزان تقاضای نفت خواهد بود. البته باید در نظر داشت که از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ میلادی نرخ رشد تقاضا نزولی خواهد بود. طبق آمارهای موجود در سال ۲۰۲۴ نرخ رشد تقاضای نفت نصف می شود و به ۰٫۶ میلیون بشکه در هر روز می رسد در حالیکه در سال ۲۰۱۸ نرخ رشد تقاضای نفت بالغ بر ۱٫۲ میلیون بشکه در روز بود.

با این تحلیل به ضرس قاطع میتوان گفت در ده سال آتی تقاضا برای استفاده از نفت خام نه تنها کم نخواهد شد بلکه به دلیل نیاز بازار نفت در فراین واکنش بازار قابلیت تحریم نخواهد داشت و بازار نفت اسپات همیشه قیمت ساز خواهد بود اما اصلی ترین دلیل افت نرخ رشد تقاضای نفت در سالهای بعد از دهه پیش روی میلادی و کاهش تقاضا در دهه ۲۰۳۰ افزایش استفاده از تجهیزات الکترونیکی به خصوص وسایل حمل و نقل الکتریکی است. توسعه استفاده از ترنها و خودروهای الکتریکی در دنیا باعث می شود تا تقاضا برای نفت و فرآورده های آن کم شود. بانک آف آمریکا در ادامه گزارش از بی ثباتی های زیادی در بازار نام می برد که همگی می توانند روی تقاضای نفت تاثیر داشته باشند. بر مبنای این گزارش وضعیت اقتصادی دنیا و احتمال ایجاد اختلال در روند تجارت ازاد در دنیا به دنبال اجرای سیاست های ترامپ در سال های اخیر را از عوامل نگران کننده در بازار قلمداد می کنند. تاثیر هر دو عامل در دهه پیش روی میلادی چشمگیر خواهد بود. دولت ترامپ از زمانی که روی کار آمده است عامل بی ثباتی زیادی در عرصه اقتصادی دنیا بوده و همین امر فراین بی اعتباری آمریکا در دیکته کردن سیاستهایش را فراهم آورده است. تا آنجا که به نظر می رسد تاثیر سیاست های او بیش از یک سال و دو سال در اقتصاد دنیا کمی موثر و بعد از آن کاملا قابلیت خنثی پیدا میکنند.

برگ تازه ای در پرونده سیاه مدعیان حمایت از حقوق

جمهوری اسلامی: اعدام ۳۷ نفر از شهروندان عربستان که به اعتراف شبکه تلویزیونی آمریکائی «سی ان ان» به استناد اعترافات اجباری و بدون استناد به مدارک معتبر محکوم به اعدام شده بودند، اعتراض جهانی را برانگیخت و تمام مجامع حقوق بشری و بسیاری از مردم در نقاط مختلف جهان به این کشتار بی رحمانه اعتراض کردند. از این ۳۷ نفر ۳۲ نفر شیعه و روحانی و طلاب علوم دینی منطقه شرقی عربستان بودند که به جرم اعتراض به ظلم آل سعود و عدم رعایت

حقوق شهروندان و بدون آنکه مرتکب اقدام خلافی شده باشند اعدام شده‌اند. این واقعه نشان می‌دهد رئیس‌جمهور آمریکا به راحتی تمام قوانین بین‌المللی و ضوابط حقوق بشری را قربانی پول می‌کند. وی در سخنرانی اخیر خود نکته‌ای را از مکالمه خود با شاه سعودی نقل می‌کند که علاوه بر نگاه مادی رئیس‌جمهور آمریکا به همه چیز، از لحن اهانت‌آمیزش نسبت به شاه سلمان نیز حکایت دارد. وی گفته است: «من به شاه عربستان گفتم تو را دوست دارم و به خاطر شما هرکاری می‌کنم چون شما پول زیادی دارید. شاه عربستان به من گفت هیچکس تاکنون چنین سخنانی به من نگفته، شما چطور این مطالب را به من می‌گوئید؟ بی‌عملی دولت‌های غربی از آمریکای ترامپ گرفته تا انگلیس و آلمان و فرانسه در قبال کشتار وحشیانه ۳۷ شهروند بی‌گناه عربستانی توسط آل سعود، برگ سیاه دیگری بر پرونده پر از ریا و تزویر و دروغ این مدعیان حمایت از حقوق بشر افزود و چهره زشت آنها را یکبار دیگر به جهانیان نشان داد.

تصمیم دوران‌دیشانه رهبری

آرمان: همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سخنان خود در پاسخ به تقاضای دولت مبنی بر برداشت حدود ۲/۴ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی عنوان کردند، تقاضای دولت نه تنها مغایر با منافع ملی، بلکه عدم داشتن تخصص کافی در زمینه مسائل اقتصادی و حتی فلسفه چگونگی ایجاد حساب ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی است، زیرا اگر وزیر اقتصاد یا رئیس سازمان برنامه و بودجه که چنین تقاضایی را از مقام معظم رهبری کرده بودند، مختصری از مفاد قانون تأسیس صندوق توسعه ملی را خوانده بودند چنین درخواستی مطرح نمی‌کردند. پیش از این به دلیل اهمیت کنترل آب‌های مرزی که بالغ بر چهار میلیارد مترمکعب است و به سمت کشورهای همسایه می‌رفت، دولت وقت از مقام معظم رهبری درخواست برداشت ۸ میلیارد دلار کرد. در مورد طرح مقام معظم رهبری به نام طرح ۵۵۰ هزار هکتاری، دولت با وجود اینکه این طرح اصولاً طرحی ارزبر نیست، با برداشت ۱/۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی ایشان به ناچار پذیرفتند، هرچند این بار هزینه‌ها ریالی بودند و نیازی به ارز نبود ولی متأسفانه برخی دخالت‌ها باعث شد علاوه بر اینکه کار کارشناسی کافی توسط متخصصان در مورد این امر صورت نگیرد دست به اقداماتی زدند که این اقدامات نه تنها منافی برای کشاورزان نداشته، بلکه با کاستی‌های بسیار زیادی همراه بوده که بخش بزرگی از آنچه انجام شد در سیل اخیر خوزستان نابود شد. البته این طرح در حد ۲۹۰ هزار هکتار آن هم به صورت ناقص اجرا شده و طبیعتاً رهبر معظم انقلاب که تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد این مسأله هستند گزارش‌هایی مربوط به کاستی‌های اجرایی در هزینه‌کرد حدود ۷۰۰ میلیون دلار که تا به حال هزینه شده، دریافت کردند.

